

نوع مقاله: مقاله پژوهشی

نویسنده

محمد صادق مزینانی

چکیده

در این مقال، سخن از رسالت بزرگی است که حوزه‌های علمیه و عالمان دین و دستگاه‌های پیام رسانی دینی بر عهده دارند و آن تبیین دقیق و روشن مکتب اهل بیت است و رساندن پیام آن به مسلمانان جهان از هر قوم و نژاد و با هر مذهب و مسلک.

زیرا این مکتب، اگر درست و روشن و به دور از فرقه‌گراییهای کور و غرضها و کینه‌ورزیها، مجال یابد در عرصه‌ها و میدانهای علمی، سخن و پیام خود را به گوش اهل فکر برساند و توده‌های مسلمان، یا گوهر و جوهر آن آشنا شوند، بی گمان توان آن را دارد که انسان امروز را به سرچشمه‌های روشنایی برساند و از گرداب حیرت رهایی بخشد.

اکنون، که پاره‌ای از بازدارنده‌ها برداشته شده و کم و بیش، به برکت انقلاب اسلامی فرصتهایی به وجود آمده و گشایشهایی پدید، هرگونه فرصت سوزی، پیامدهای زیانباری را در پی خواهد داشت.

آن چه در این مقال نسبت به آن هشدار داده شده این که حوزه‌های علمیه و عالمان دین، در این سی و اند سال از این فرصتها بهره‌های لازم را نبرده‌اند و در ابلاغ معارف بلند و روح بخش مکتب اهل بیت، به جهان تشنه این مکتب، کارنامه درخشانی ندارند و اگر همین سیر ادامه یابد، در آینده نیز نخواهند داشت. و این که چرا و چه بازدارنده‌هایی بر سر راه بوده و حوزه‌ها با چه کاستیهایی دست و پنجه نرم می‌کنند که نتوانسته و نمی‌توانند از عهده این رسالت بر آیند و جایگاه مکتب اهل بیت و مرجعیت علمی آن را بنمایاند، پرسشی است که نیاز به بررسیهای فراوان دارد که به بخشهایی از آن در این مقال اشاره شده است.

کلیدواژه‌ها

مکتب اهل بیت. رسالت جهانی حوزه‌های علمیه. تبلیغ. مبلغان شیعی

اصل مقاله

از رسالت‌های بزرگ حوزه‌های شیعی، شناساندن و ابلاغ مکتب اهل بیت است. رسالتی که عالمان زمان شناس شیعی در دورانه‌های گوناگون، آن را پاس داشته‌اند.

از جمله پاسداشته‌ها، روشنگریهایی است که درباره عناصر و آموزه‌های حماسه‌آفرین آن انجام داده‌اند.

دفاع از ارزشها و اصول مکتب اهل بیت و پاسخهای در خور به شبهه‌های پدید آمده از سوی مخالفان و... در کارنامه علمای روشن اندیش، بیان گر رسالت بانی، وظیفه‌مداری و تعهد راستین آنان در طول تاریخ تشیع است.

عالمان شیعی، با پیروی از رسول گرامی اسلامی، بسان طبیب دوار به میان مردم می‌رفتند و به درمان بیماریهای روحی و فکری می‌پرداختند و آنان را به اصولی رهنمون می‌شدند که در مکتب اهل بیت پی‌ریزی شده بود.

در راه ابلاغ مکتب اهل بیت و رساندن پیام آن، از شبهه شبهه‌افکنان، هراسی به دل راه نمی‌دادند، بلکه با پاسخهای دقیق، علمی، فنی و راهگشا، گشایشی برای شیعه پدید می‌آوردند و بر فضای تنفسی شیعه می‌افزودند.

در این باره نمونه‌های بسیاری را می‌توان ارائه داد. از جمله پاسخ گویی سه تن از علمای زمان آگاه، دغدغه‌مند و متعهد: شیخ آقا بزرگ تهرانی، سیدحسن صدر و شیخ محمدحسین کاشف الغطاء به شبهه‌ای است که غرض‌مندان بر سر زبانها انداختند که:

«انّ الشیعه لیس لها مؤلفات یستفید بها خلفهم فی شتی العلوم و لا جرم أنهم متطفلون علی موائد غیرهم متسولون من البعداء متکففون فی علومهم. »

11 شیعه در دانشهای گوناگون، نوشته‌هایی که آیندگان از آنها بهره برند، ندارد. ناگزیر بر سر سفره دیگران فرود می‌آید. با این حال، شیعیان به نوشته‌های نداشته خود مغرور هستند. و دستشان در دانشها بسته است.

و جرجی زیدان در «تاریخ آداب اللغة العربیه» می‌نویسد:

« ان الشیعه طائفة صغیره لیس لها آثار یعتدبها و انهم الان فی خبرکان.»

2 شیعه، گروه کوچکی بود که آثار در خوری نداشت و اکنون شیعه‌ای در دنیا وجود ندارد.

هنگامی که این شبهه طرح شد و دستهایی آن را در کانونها و محفلهای علمی پراکندند و در صدد بودند شیعه را به انزوا بکشاند، عالمان یاد شده هم پیمان شدند که هر یک اثری پدید آورند، تا شبهه طرح شده از زوایای گوناگون، پاسخ داده شود و چهره علمی و پایگاه والای شیعه نمایان گردد.

سیدحسن صدر، تأسیس الشیعه لعلوم الاسلام را نگاشت و حرکت‌های علمی شیعه و سهم آن را در بنیان گذاری و کامل کردن علوم اسلامی نمایاند.

کاشف الغطاء، به نقد کتاب «تاریخ آداب اللغة» جرجی زیدان پرداخت و اشتباه‌های آن را نمایاند.

شیخ آقا بزرگ، الذریعه را پدید می‌آورد. اثر ارزش مندی که تألیفات علما و نویسندگان شیعه را به زیبایی می‌نمایاند. این کتاب در حدود 30 جلد و بین 50000 تا 60000 تألیف شیعه را از زمانهای دور، تا دوره خود، در دانشهای گوناگون می‌شناساند.

کار این بزرگان در جهان اسلام، جلوه گر شد و شماری از اهل فکر و صاحبان قلم به آن ارج نهادند. از جمله استاد عبدالرحیم محمد علی (عضو رابطه ادبیات نو - قاهره) در کتاب: شیخ الباحتین آغا بزرگ الطهرانی، روح علمی و اهمیت آثار آقا بزرگ تهرانی را به خوبی شناساند و استاد محمدرضا حکیمی، در اثر ارزشمند خود: شیخ آقا بزرگ تهرانی، از این کتاب بهره می‌برد و درباره این که چرا این سه عالم هوشمند و زمان شناس، دست به تألیف این سه اثر اثرگذار می‌زنند، از این کتاب، نقل می‌کند:

« علت تألیف «الذریعه» کار جرجی زیدان (درگذشته 1914 م.) مورخ معروف بود. او بدون غرض، یا با غرض - در کتاب مشهور خود «تاریخ آداب اللغة العربیه» که تاریخ ادبایت عرب است در 4 جلد، درباره شیعه سخنی بدین مضمون گفت: شیعه طایفه‌ای بود کوچک و آثار قابل اعتنایی نداشت و اکنون شیعه‌ای در دنیا وجود ندارد.

این شد که شیخ آقا بزرگ و دو همدریف و دوست علمی‌اش، سید حسن صدر (م: 1354 ه.) و شیخ محمد حسین کاشف الغطاء (م: 1373 ه.) هم پیمان شدند تا هر یک در باب معرفی شیعه و فرهنگ غنی تشیع، کاری را بر عهده گیرند و سخن این نویسنده جاهل یا مغرض را به دهن‌اش باز پس بکوبند.

قرار شد علامه سید حسن صدر درباره حرکات علمی شیعه و نشان دادن سهم آن در تأسیس و تکمیل علوم اسلامی تحقیق کند. ثمره کار او کتاب «تأسیس الشیعه لعلوم الاسلامی» شد. این کتاب به سال 1370 ق. در 445 صفحه چاپ شد. شیخ آقا بزرگ در چاپ آن دخالت داشت.

اما علامه شیخ محمد حسین کاشف الغطاء قرار شد کتاب «تاریخ آداب اللغة العربیه» جرجی زیدان را نقد کند و اشتباهات وی را بازگوید و این کار را کرد و نقدی جامع و علمی بر هر چهار جلد کتاب زیدان نوشت و مطالب مشتبه را به اصول اصلی آنها بازگردانید و مؤلف را به اشتباه‌هایش - حتی خطاهای املائی - متوجه کرد... .

اما شیخ آقا بزرگ - از میان این سه یار علمی - متعهد شد فهرستی برای تألیفات شیعه بنویسد. »

3 نمونه یاد شده، یکی از صدها نمونه‌ای است که عالمان شیعه به پاسخ گویی و شبهه زدایی پرداخته‌اند.

البته، این نکته را باید یادآور شد که آن چه در حوزه‌های شیعه انجام گرفته در باب پاسخ گویی و روشنگری، فردی بوده است، نه تشکیلاتی و سازمانی. یعنی حوزه‌های علمیه، به عنوان یک نهاد علمی، با برنامه‌ریزی و به کارگیری اهل دانش و بهره‌گیری

از توانهای موجود در هر زمان و برهه، دست به کار نشده و به شبهه‌ها، به گونه روزآمد، پاسخ نگفته است، که این کاستی بس بزرگی است و بسیار خسران بار.

امروزه، با پیچیدگیهایی که دشمنان در برنامه‌های فرهنگی خود پدید آورده‌اند، انتظار می‌رود افزون بر عالمان و ارائه کارهای فردی، نهاد و تشکیلات حوزه به میدان بیاید و مکتب اهل بیت و مسائل کاربردی و نقش آفرین آن در هدایت بشر و سامان دهی به زندگی او را به روشنی بیان کند.

انجام این تکلیف در شرایط جاری، از جهات گوناگون مهم می‌نماید:

الف. احساس نیاز به مکتب اهل بیت.

ب. تهاجم گسترده دشمنان و بدخواهان به شیعه و مکتب اهل بیت.

ج. فرصتهای موجود تبلیغی و روشنگری.

1. احساس نیاز به مکتب اهل بیت: مکتب اهل بیت، ارائه دهنده تفسیر زلال، روشن، زندگی ساز و امید آفرین از اسلام است. یعنی اسلام را ناب و بی غل و غش و به دور از تفسیرهای به رأی، طرح می‌کند و این خلوص بسیار راهگشا و زندگی آفرین و امیدبخش است و معنویت زاء، همان عناصری که دنیای امروز، سخت بدانها نیاز دارد. هر جا و هر زمان، بارقه‌ای از این مکتب در دنیا پرتو افکنده، واکنشهای مبارکی را از سوی مردم در پی داشته است. پیش از طلوع انقلاب اسلامی در ایران، بسیاری اسلام را همانند مسیحیت می‌انگاشتند، دین فردی و بی تفاوت در برابر ستم ستمکاران؛ اما وقتی با انقلاب اسلامی رو به رو شدند که از زلال مکتب اهل بیت بهره می‌برد، دریافتند اسلام دین زندگی است، دینی که به نیازهای مادی و معنوی، سیاسی و اجتماعی، پاسخ می‌دهد و از کنار آنها بی تفاوت نمی‌گذرد. از این روی، بسیاری به مطالعه این مکتب پرداختند و به اسلام از این زاویه نگرستند. در گذشته، اسلام، در سطح جهان، مساوی بود با عربیت. مسلمان، یعنی عرب و یا عرب، یعنی مسلمان. و هیچ تصویری از مکتب اهل بیت و اسلام شیعی در ذهنها وجود نداشت. اما امروز، اسلام شیعی، در سطح و گستره جهان، بویژه در میان عدالت خواهان و نسل جوان، مطرح و از جایگاه ویژه برخوردار است. ظهور و جلوه‌گری اسلام ناب پس از انقلاب اسلامی نگاه‌ها را به سوی اسلام و اسلام شیعی کشانده و این پدیده مبارک بی گمان، مسؤولیت عالمان دینی را بسیار سنگین می‌کند و تلاش گسترده و برنامه‌ریزی دقیق را از سوی حوزه‌های علمی می‌طلبد.

2. تهاجم گسترده دشمنان: مکتب اهل بیت در طول تاریخ اسلام، مورد تهاجم قدرتها و حکومت‌های غاصب در قلمرو جهان اسلام بوده است. اکنون نیز، چون انقلاب اسلامی، دشمن سر سخت استکبار جهانی و نظام‌های ناعادلانه، الهام گرفته از مکتب اهل بیت است، دشمن، این مکتب را نشانه گرفته است و تلاش می‌ورزد در غوغای اختلافها و بدفهمیها، آن را از جلوه گری و نقش آفرینی بیندازد. استکبار جهانی به روشنی دریافته نظام جمهوری اسلامی بر اساس آموزه‌های این مکتب ره می‌پویید و جهت خود را مشخص می‌کند؛ از این روی سیاست راهبردی خود را در رویارویی با اسلام، به گونه‌ای پی ریخته که به هدم و نابودی این مکتب بینجامد و خاموشی آن را در پی داشته باشد.

این تهاجم برنامه‌ریزی شده و راهبردی استکبار جهانی، با برنامه‌ریزی و پی‌ریزی سیاست دقیق و راهبردی فرهنگی، دامن بر می‌چیند و خنثی می‌شود. ولی متأسفانه، زوایای ویران‌گر این فاجعه، آن گونه که شاید و باید درک نشده است.

این درک و فهم نشدن، پس از آن همه تلاش و روشنگریهای دقیق و همه سویه امام و رهبر فرزانه انقلاب اسلامی، شگفت می‌نماد.

اکنون جای این پرسش وجود دارد که چسان حوزه‌ها در برابر این همه فریاد و اعلام خطر بنیان‌گذار و رهبر فرزانه انقلاب اسلامی آن واکنش بایسته و مورد انتظار را نداشته‌اند و گام‌های بلند و استوار در برنامه‌ریزی و چگونگی برخورد عالمانه با تهاجم‌های سخت و شکننده استکبار علیه اسلام ناب بر نداشته‌اند.

تهاجم‌های دشمن، به روز باید پاسخ داده شود. آثاری که نشر می‌یابد علیه شیعه و فضای فکری جامعه را می‌آلایند، اگر سریع، به روز و عالمانه و به دور از هیاهو و جنجال و تکفیر به بوته نقد گذارده نشوند و حوزه‌ها در برابر آنها، واکنش خردمندانه و حساب شده‌ای نداشته باشند، بی گمان در ذهنها می‌مانند و بیرون کردن آنها از ذهنها، کاری بس دشوار و زمان بر خواهد بود.

3. فرصتهای موجود تبلیغی: حوزه‌های علمیه و عالمان دین، از فرصتهای تبلیغی بسیار خوبی بهره‌مند هستند. فرصتهایی که با رنج بسیار به دست آمده‌اند.

درخت تنومند و پر شاخ و برگی که به پای آن خونهای پاک بیرون از شمار مردان جان بر کف ریخته شده است. این فرصتها اکنون در اختیار است، چه در داخل و چه در خارج از مرزها. باید این فرصتهای به دست آمده را غنیمت شمرد و پاس داشت، تا فرصتهای جدیدی به دست آید.

تمامی کسانی که آشنایی به تبلیغات دینی و پیام رسانیهای دینی و چگونگی مهیا شدن زمینه‌های پیام رسانی دینی را دارند، از فرصتهای خوب به دست آمده به برکت انقلاب اسلامی سخن گفته و بر غنیمت شماری آن تأکید ورزیده‌اند. از باب نمونه، مقام معظم رهبری در این باره می‌گوید:

«در طول تاریخ هزار و چهارصد ساله اسلام، به گمانم، هیچ برهه‌ای را نداریم که علمای دین، چنین فرصتی را برای تبلیغ احکام اسلامی پیدا کرده باشند، نه در دوران ائمه (ع) و نه بعد از دوران آنها. نه دورانی که حکومت‌های طرفدار فقه حنفی و شافعی در ایران بر سر کار بودند. در هیچ یک از دوره‌های گوناگون، برای علما، چنین فرصتی پیدا نشده بود که امروز، پیدا شده است.»

4 حوزه و علمای دین، در برابر یک آزمایش بزرگ قرار دارند، آزمایش بس بزرگ و تاریخی و بی مانند و بی شبیه در گذشته و البته گذران. با قدرشناسی از این نعمت و پاسداری از آن و بهره‌گیری درست از فرصتهای پیش آمده، که همان شکرگذاری است و پاس نعمتهای خداوندی، بر دامنه این نعمت بزرگ، روز به روز افزوده می‌شود و در صورت ناسپاسی و غنیمت نشماری این نعمت عظیم، بی گمان عذاب خداوند شدید خواهد بود.

رهبر فرزانه انقلاب این نعمت را مصداق آیه شریفه: «و اذ تأذَن رَبِّکُمْ لئن شکرتم...» می‌داند و می‌گوید:

«جامعه علمیه و حوزه‌های علمیه شیعه و علمای دینی تشییع در مقابل یک آزمایش عظیم تاریخی، بی نظیر و غیر قابل تکرار و بدون شبیه در گذشته تاریخ قرار دارند. این نعمتی است که مصداق آیه شریفه قرآن است: «و اذ تأذَن رَبِّکُمْ لئن شکرتم لازیدنکم و لئن کفرتم ان عذابی لشدید.»

5نگاهی به وضع موجود حوزه

این که حوزه‌های چه کارامدیهایی دارند و در کجاها و چه بخشهایی کارامدیهای لازم را ندارند موضوع بسیار مهم در خور بررسی است.

حوزه‌ای که بخواهد به تبیین مکتب اهل بیت بپردازد، ویژگیها و تواناییهای آن را در تعالی بخشی به مسلمانان، در بین مسلمانان با ملیتها و فرهنگها و زبانهای گوناگون، شرح و بازگو کند، بی گمان باید خود را برای حضور در چنین عرصه‌هایی کارآمد سازد و کارآمد سازی حوزه از هر جهت، بستگی به شناخت دقیق تواناییها و کاستیهای آن دارد.

آیا حوزه تاکنون به گونه سازمان یافته، با برنامه‌ریزی دقیق و با مطالعه دامنه دار و با بهره‌گیری از تواناییها و ظرفیتهای موجود، به چنین بررسی دست زده است؟ آیا بررسی کرده است که نیروهای آموزش دیده و کارآمد که بتوانند در بین ملتها، با فرهنگها، زبانها و مذهبهای گوناگون نقش بیافرینند چقدر در حوزه‌ها وجود دارند و در حقیقت چقدر در اختیار دارد و می‌تواند در برهه‌ها و جاهای گوناگون از آنان بهره ببرد؟

آیا بررسی کرده است که از آن چه از پژوهشها و مطالعات دینی انجام گرفته، از گذشته تاکنون، چقدر از آنها می‌تواند کاربرد جهانی و بین‌المللی داشته باشد؟

آیا بررسی کرده است که از نظر علمی در پایه‌ای قرار دارد که با دیگران رقابت و هموردی کند.

آیا آمار دقیقی از نویسندگان، سخنرانان و پژوهشگرانی که نوشته‌ها، سخنان و پژوهشهایشان کاربرد جهانی، بین المذاهب و بین الادیانی دارد که در برهه‌های خاص و یا به طور دائم بتوان از دستاورد فکری و اندیشه‌ای آنان در نشریه‌ها، روزنامه‌های بین‌المللی و پرتیراژ و محافل علمی، با اطمینان خاطر، بهره برد، وجود دارد؟

آیا بررسی کرده است که چسان می‌تواند از اندیشه‌های ناب تفسیری، کلامی، فلسفی و فقهی شیعه در گستره جهان و جهان اسلام بهره ببرد.

آیا بررسی کرده است که سفیران نامور، پرآوازه و موفق تشیع، مانند سید جمال‌الدین اسدآبادی و... چگونه می‌توانند برای سفیران امروز تشیع الگو باشند. یعنی آیا گروهی تشکیل شده است که روی تجربه‌ها، دستاوردها و کارنامه درخشان یک یک آنان مطالعه کند و تجربه‌ها و دستاوردهایی که امروزه نیز کارایی و کاربرد دارند، در اختیار گروه‌های اعزامی بگذارد.

بررسیها نشان می‌دهد و در مصاحبه‌ها و سخنرانیهای دست اندرکاران حوزه و مدیریت آن نیز بازتاب یافته که نه تواناییها حوزه به طور دقیق روشن است و نه کاستیهای آن.

اگر تواناییها و کاستیها به طور دقیق روشن باشد و برنامه‌های تبلیغی داخلی و خارجی بر آن اساس جهت داده شود، آینده روشنی در پیش خواهد بود وگرنه، به هیچ روی نمی‌توان چنین آینده‌ای را پیش بینی کرد.

به گمان ما، پاره‌ای از کاستیهای کمی و کیفی که جا دارد حوزه‌های علمیه برای رفع آنها هر چه زودتر دست به کار شوند از این قرار است:

1. کمبود نیروهای کارآمد: حوزه‌های دینی در تربیت نیروهای کارآمد، توانا و همه سو نگر و دقیق اندیش برای عرصه داری در بیرون از مرزها و بین مسلمانان و غیر مسلمانان بلند و اساسی را نتوانسته‌اند بردارند و در این حوزه، با کمبود و کاستی جدی روبرو هستند. این کمبود و بی بهره‌مندی بسیاری از شهرها و مراکز اسلامی از عالمان دینی، بسیار نگران کننده است. و این مشکل در بین پیروان اهل بیت، با توجه به استعمار سنتیزی و رویارویی پیروان این مکتب در ایران، لبنان و... و کینه توزیهای دشمن نسبت به این مکتب و ریشه‌های آن، بیشتر احساس می‌شود. چون در جای جای جهان، بی پناهی پیروان مکتب اهل بیت، در برابر شیخون فرهنگی دشمن و لجن پراکنیهای او علیه باورهای اصیل تشیع، به روشنی دیده می‌شود.

حتی در بسیاری از کشورهای اسلامی، روشنگران و بیان کنندگان آموزه‌های اهل بیت، حضور ندارند، با این که دشمنیها علیه آن، بسیار شدید و برنامه‌ریزی شده است و باید توجه داشت که در بسیاری از کشورها و سرزمینها، میدان داری دشمن، از آن روست که شیعه برای طرح آموزه‌های خود و پاسخ به شبهه‌ها، استوانه‌ای ندارد و از عالم آگاه و آشنای به مصالح جهانی اسلام بی بهره است.

2. کمبود آثار: شناساندن معارف دینی و مکتب اهل بیت، از راه آثار و کتابهای فنی، عالمانه و دقیق یکی از مهمترین ابزارهای بوده که از دیرباز تاکنون، عالمان شیعه از آن بهره برده‌اند. آثاری که در دوران معاصر و پس از انقلاب اسلامی نشر یافته چشمگیر بوده و جای خوشوقتی است. اما در برابر نیازها و شیخونهای آن به آنی که به مکتب اهل بیت می‌شود، می‌توان گفت آن چه نشر یافته و می‌باید از کتابهای علمی و فنی و راه گشا، بسیار کم است و با آنها نمی‌توان در برابر موج فراگیر ضدشیعی ایستاد و به شبهه‌ها پاسخ گفت و معارف ناب اهل بیت را شناساند.

3. نارسایی در چگونگی و شکل ارائه معارف: چگونگی و شکل ارائه معارف اهل بیت، که حوزه‌های علمیه عهده دار آن هستند، نارساست و با کاستیهای بسیار دست و پنج نرم می‌کند.

نخست آن که: محدود است. تنها در قالب سخنرانی و کتاب انجام می‌شود که البته کاش این قالب نیز از زیباییها و جذابیتها و برجستگیهای برخوردار می‌بود.

معارف ناب اهل بیت، اگر با ادبیات و قالبهای پرکشش مجال طرح یابد، بی گمان با همه پیشرفتی که رسانه‌ها در عرصه پیام رسانی دارند، باز هم اثر گذارند.

خطیبهای برجسته، آگاه، اسلام شناس و آشنای با دقایق مکتب اهل بیت، چون محتوا را در قالب زیبا می‌ریزند و به مخاطب ارائه می‌دهند، سخن‌شان به دلها راه می‌یابد.

و نیز نویسندگانی که به قالبهای روز آشنایی دارند و از آنها برای ارائه پیامشان بهره می‌برند، در جذب افراد بسیار موفق هستند.

هر اثری که از سوی شیعه نشر می‌یابد، افزون بر این که می‌بایست به گونه‌ای نمایان گر زاویه‌ای از زوایای علمی مکتب اهل بیت باشد، از نظر قالب و شکل و نحوه ارائه مطالب، فنی و به روز و آرايه‌های چاپ به طور دقیق در آن رعایت شده باشد.

کتابهای علمی، تفسیری، کلامی، فقهی و تاریخی شیعه، در ردیف گنجینه‌های بزرگ دانش بشری قرار دارند، اما پاره‌ای از آنها به خاطر چاپ غیر منقح، پر غلط و در هم و برهم و نامرغوب و غیر فنی و بدون فهرستهای لازم، در کنج کتابخانه‌ها خاک می‌خورند و اهل مطالعه و پژوهش، رغبتی به آنها نشان نمی‌دهند و این خسروانی است بزرگ برای تشیع.

رهبر انقلاب اسلامی، نگرانی و دغدغه‌مندی خود را از این وضع، این چنین اعلام می‌کند:

«کتابهایی که از فقه مذاهب دیگر برای ما می‌آورند و من گاهی در بین آنها بعضی چیزهای خیلی سطحی و کم ارزش را از لحاظ علمی می‌بینم، که تحقیق شده، تصحیح شده، فهرست بندی شده و ارائه شده، در حالی که در فقه ما، این طور نیست. ما مثلاً سبوط شیخ طوسی، با این عظمت را - که چاپ تهران است ولی ظاهراً چاپ دیگری هم دارد؛ اما من ندیده‌ام - که نه یک غلط نامه درست و حسابی دارد، نه یک فهرست دقیق دارد، در اختیار چه کسی بگذاریم.»

6ایشان، این نوع عرضه کردن آثار شیعی را، ارزان فروختن آن سرمایه‌ها و گنجینه‌ها می‌داند و مایه حقیر و کوچک کردن آثار شیعی.

به نظر ایشان، اگر بخواهیم کتاب مبسوط را با وضعیت موجود، به یک فقیه و یا حقوق دان که با مسائل فقهی آشنایی دارد، ارائه کنیم، کتاب خودمان را کوچک کرده‌ایم.

4. بی توجهی به تجربه‌های دیگران: دست اندرکاران امر تبلیغ، نایستی به روش و روشهای سنتی که خود با آنها آشنایی و سالیان طولانی، با همان روش به تبلیغ دین و ارشاد مردمان پرداخته‌اند، بسنده کنند، بلکه باید تجربه‌ها و راه و روشهایی را که دیگران و دستگاه‌های تبلیغی دیگر مذاهب و ادیان از آنها بهره برده و می‌برند نیز، مور مطالعه قرار دهند و بررسی کنند و اگر دیدند روش و یا روشهای مناسبی است از آنها بهره بگیرند. کار مهم و چه بسا راهگشایی که تاکنون مطالعه‌ای روی آن صورت نگرفته است.

مسیحیت امروز، از رشته‌های گوناگون هنری: رمان، فیلم نامه، تئاتر، فیلم، نقاشی، کاریکاتور، طنز، موسیقی و... بهره می‌برد و در جهان و در بین توده‌ها، جای پای خود را محکم می‌کند، حتی در کشورهای اسلامی.

بسیاری از مسلمانان، در داخل کشور خودشان در درون خانه‌هایشان، ناخودآگاه، تحت تأثیر برنامه‌های تبلیغی کلیسا قرار دارند.

رهبر انقلاب اسلامی، با رصد دقیق، از برنامه‌های تبلیغی مسیحیت از راه فیلم و برنامه‌های تلویزیونی چنین پرده بر می‌دارد:

«کلیسا دارای علم دین به صورت عمیق و مدون و استدلالی نیست، ولی در عین حال، از لحاظ تبلیغی جلو هستند، آنها بسیاری از فیلمها را ساخته‌اند که ظاهرش هم نشان نمی‌دهد؛ اما تبلیغ مسیحیت است. حتی دوستان خود ما، در تلویزیون، ایام ژانویه و کریسمس که می‌شود، به مناسبت این که عده‌ای از هم میهنان ما مسیحی هستند، از روی ملاحظت، یا مثلاً مجامله با آنها، چند فیلم مسیحی و کلیسایی را پخش می‌کنند. من نگاه کردم دیدم اغلب اینها تبلیغ کلیساست... کسی که این فیلم را می‌بیند، متأثر می‌شود. کشیشی را در یک چهره نورانی نشان می‌دهد که فلان کار را می‌کند.»⁷

4. کمبودهای محتوایی و علمی: منظور این نیست که شیعه از نظر ذخائر و منابع علمی، کمبود دارد و یا از نظر علمی ناتوان است. شیعه، ذخائر بسیار دارد و منابع سرشار و تواناییهای ناشناخته و استفاده نشده و متون لبالب از رهنمودهای زندگی ساز و مورد نیاز انسان امروز.

سخن در این است که امروز و همین اکنون، مطالب در خور شأن شیعه و اندیشه‌های ناب شیعی، که بتوان در بسته‌های علمی عرضه کرد و علاقه‌مندان را از آنها بهره‌مند ساخت، در اختیار نیست. جهان امروز، تشنه اندیشه‌های ناب است. اندیشه‌های سرچشمه گرفته از وحی، بی گمان این تشنگی را فرو می‌نشانند.

حوزه‌ها این رسالت را بر دوش دارند که برای انسان امروز، با بهره‌گیری از آموزه‌های وحیانی مکتب اهل بیت، اندیشه‌هایی را تولید کند.

تولید فکر، به طور دقیق با شناخت نیازهای فکری مردمان جویای حق، در ارتباط است. اگر تولید، سوای از این نیازها باشد، بی گمان، تبلیغ و عرضه آن ره به جایی نمی‌برد.

باید بررسی شود چه مطالبی برای دنیای اسلام و مردمان علاقه‌مند و حق طلب لازم است؟ و تا چه اندازه می‌توان از تولیدات پیشین استفاده کرد و تا چه اندازه باید دست به تولیدات جدید زد.

و نیز باید آمار دقیقی از تولیدات دشمن علیه شیعه و مکتب اهل بیت داشت و این که چه محورهایی بیش‌تر مورد حمله و یا نقد قرار می‌گیرد.

پس از این آگاهیها است که پاسخهای علمی، منطقی و جهت دار، جای خود را باز می‌کنند و کارگر می‌افتند.

شاید به ذهن بیاید درباره شیعه و معارف اهل بیت و پاسخ گویی به شبهه‌ها آثار بسیاری در دسترس است و هر روز نیز شاهد نشر آثار جدید هستیم.

البته این مایه خوشوقتی است. از این آثار می‌توان در راستای آن هدفی که ترسیم کردیم به بهترین وجه بهره برد. اما روشن است که آثار زیاد دلیل بر برآورده شدن نیازها و پاسخ گویی کامل و همه جانبه و دقیق و عالمانه به شبهه‌ها و پرسشها نیست.

سازماندهی پژوهشها و سره از ناسره‌شناسی آنها و کنار زدن آثار سست و ضد تبلیغ و گاه شبهه آفرین و مایه وهن شیعه و مکتب اهل بیت، گامی است بزرگ که حوزه باید بردارد و تولیدهای نو به نو نیز عرصه بدارد.

در تولید اندیشه، دقت، عمق، هوشیاری و جامع نگری و جهان شمولی و... ضرورت دارد. بویژه اندیشه‌هایی که برای جهان اسلام تولید می‌شود، باید به دور از هرگونه مطالب سست، نابخردانه و تفرقه‌انگیز باشد.

با تولید انبوه آثار بی محتوا، وهن آلود و خرافی، به نام شیعه و دفاع از مکتب اهل بیت! و نشر آنها و پر کردن بازارها و کتابخانه‌ها از این دست آثار، نمی‌توان ادعای تولید اندیشه کرد و انجام رسالت.

بلوک شرق، بویژه شوروی سابق، با تولید انبوه کتاب، مجله و... و نشر آنها در سرتاسر کشورهای تحت سلطه، نتوانست ماندگاری مارکسیسم را تضمین کند که تولید انبوه آثار گسسته از نیازهای فکری و عقیدتی مردم، ره به جایی نمی‌برد.

این تجربه، یعنی تولید انبوه کتاب و نشریه برای مخاطب فرضی و خیالی و بر اساس توهمات، به نام تولید اندیشه، خود را فریب دادن است.

کار فرهنگی، وقتی اثرگذار است که با برنامه و حوصله تمام مدیریت شود و زود به زود، روی اثرگذاری تولیدات فکری مطالعه دقیق انجام بگیرد.

چه باید کرد

با توجه به آن چه از کمبودهای کمی و کیفی عرضه داشتیم، روشن شد که حوزه با تربیت مبلغان ویژه، کارآمد، زبان دان، آشنای با فرهنگ مخاطبان، از هر گروه و مذهب و سرزمین، آشنایی عمیق با قرآن و متون روایی و تاریخ اسلام و سیره رسول الله و ائمه هدی، و غنی سازی محتوای بسته‌های تبلیغی و چگونگی ارائه مطالب و محتوای مورد نظر به مخاطبان و... گامهای نخستین را در افشاندن عطر دلاویز مکتب اهل بیت، می‌تواند بردارد. این در کوتاه مدت؛ اما در دراز مدت، مطالعات دامنه داری می‌باید انجام بگیرد و از همه ظرفیتهای علمی و تجربی به کار گرفته شود، تا طلابه داران مکتب اهل بیت در گستره جهان حضوری اثر گذار داشته باشند.

آن چه که ضروری و بایسته است سرلوحه کار تبلیغی در خارج از مرزها قرار بگیرد، سیره و سخن رسول الله و ائمه هدی است. هر برنامه و راهنمای تبلیغی، می‌بایست به گونه‌ای الهام گرفته از سیره و سخن ناب معصومان باشد.

در این جا، به چند روایت از انبوه روایاتی که می‌توانند راهگشای امر تبلیغ باشند اشاره می‌کنیم که به نظر ما اگر دستگاه روحانی و تبلیغی و مبلغان ما، آنها را سرلوحه حرکت تبلیغی خود قرار بدهند و هر مبلغی بر اساس پیام آنها خود را بسازد و نهاد حوزه و دستگاه تبلیغی و شخص مبلغ، هر یک، در جهت‌گیری تبلیغی و حرکت ارشادی، آن به آن از آنها الهام بگیرد، در امر تبلیغ و شناساندن مکتب اهل بیت، دگرگونیهای ژرفی پدید خواهد آمد:

1. دعوت مردم به دین به غیر زبان، با عمل

ابو اسامه می‌گوید: از امام صادق(ع) شنیدم که می‌فرمود:

«علیک بتقوی الله والورع والاجتهاد و صدق الحدیث و أداء الامانة و حسن الخلق و حسن الجوار و كونوا دعاة الی انفسکم بغیر السننکم و كونوا زیناً و لا تكونوا شیناً و علیکم بطول الركوع و السجود. فان احکم اذا اطلال الركوع و السجود هتف ابلیس من خلفه و قال: یا وِیله اطاع و عصیت و سجد و ابیت.»

8بر تو باد که پرهیز از خدا و پارسایی را از کف ننهی و در طلب رضای حق کوشا باشی.

بر تو باد به راستی در گفتار و ادای امانت و نیک خوئی و حُسن همجواری. مردم را به سوی خود دعوت کنی، اما نه با زبان، بلکه با حُسن اعمال زیور ما باشید، نه مایه ننگ ما.

بر شما باد که رکوع و سجود خود را طولانی کنید که چون آدمی زاده، رکوع و سجود خود را طولانی کند، فریاد ابلیس برآید که: ای وای، او اطاعت کرد و من عصیان کردم. او سجده کرد و من طغیان کردم.

اما در روایتی دیگر، خطاب به عیسی بن عبدالله می‌فرماید:

«لیس منّا - و لا کرامة - من کان فی مصرٍ فیهِ مائة الفٍ أو یزیدون و کان فی نلک المصر أحد أورع منه.»

9از ما نیست - و شرافتی ندارد - کسی که در شهر باشد که صد هزار تن و بیش‌تر در آن باشند و در آن شهر شخصی پارسا‌تر از او بوده باشد.

امام موسی بن جعفر(ع) می‌فرماید:

«کثیراً ما کنت اسمع ابی یقول: لیس من شیعتنا من لا تتحدّث المخدرات بورعه فی خدورهنّ و لیس من اولیائنا من هو فی قریة فیها عشرة آلاف رجلٍ فیهم من خلق الله أورع منه.»

10من از پدرم بسیار می‌شنیدم که می‌فرمود: از شیعیان ما نیست کسی که (در پارسایی و ورع به درجه و پایه‌ای از شهرت نرسد که) زنان پرده نشین در میان پرده خویش از ورع او سخن گویند.

و از دوستان ما نباشد کسی که در شهری باشد که ده هزار مرد در آن باشند و پارسا‌تر از او در میان آنان خدا خلق کرده باشد.

2. شناخت و شناساندن قرآن و اهل بیت

برای رسیدن به اسلام ناب و سرچشمه‌های زلال معارفی آن، باید راه روشنی را جست، راهی که از هر جهت، اطمینان آور باشد و به انسان آرامش قلبی بدهد و این ایمان را به او بدهد که اگر جان خویش را بر سر آن می‌گذارد، بی دغدغه باشد و بداند که فرجام خوشی خواهد داشت و به بهشت برین دست خواهد یافت.

این راه روشن را اسلام به پیروان خود شناسانده است و خدا، رسول خود را واداشته که زوایای راه را به درستی به مسلمانان بشناساند، تا با قرار گرفتن در آن راه و پوییدن آن، از صراط حق منحرف نشوند.

ثعلبی سمعانی از سلیم بن قیس هلالی روایت کرده که گفت: زمانی که من با حُبش بن المعتمر در مکه بودیم، ابوذر غفاری به پا خاست حلقه در کعبه را گرفت و گفت: من از رسول اکرم(ص) شنیدم که فرمود:

«انّی تارک فیکم ما ان تمسکتکم بهما لن تضلوا، کتاب الله و عترتی، لن یفترقا حتی یردا علی الحوض.»

11از احمد بن عبدالله بن سلام از حُدَیفة الیمان روایت شده است که گفت: رسول خدا(ص) در خطبه‌ای چنین فرمود:

«... و انّی تارک فیکم الثقلین، کتاب الله و عترتی اهل بیته. ان تمسکتکم بهما لن تضلوا و انهما لن یفترقا حتی یردا علی الحوض فتعلّموا منهم و لا تعلّموا فانهم أعلم منکم.»

12من، واگذارنده دو چیز گرانبها در میان شما هستم: کتاب خدا و عترتم، خاندانم. که اگر به آن دو تمسک جوئید، هرگز گمراه نخواهید شد. و این دو هرگز از هم جدا نمی‌شوند، تا سر حوض بر من وارد شوند. از ایشان فراگیرید و به آنان یاد ندهید، زیرا از شما دانانترند.

از ابن عباس روایت شده است که گفت: رسول خدا(ص) فرمود:

«با معشر المؤمنین ان الله عزوجل آوحی الیّ ائی مقبوض، اقول لكم قولاً ان عملتم به نجاتم و ان ترکتموه هلاکتکم. ان اهل بیته و عترتی هم خاصتی و حماستی و انکم مسؤولون عن الثقلین، کتاب الله و عترتی. ان تمسکتکم بها لن تضلوا فانظروا کیف تخلّفونی فیها.»

13ای گروه مؤمنان! من چیزی به شما می‌گویم که اگر بدان عمل کنید، نجات می‌یابید و هر گاه ترکش کنید، هلاک می‌شوید. همانا اهل بیت من و عترت من از خاصان و نزدیکترین خویشان من هستند. و همانا شما از این دو چیز گرانبها مواخذ می‌شوید، کتاب خدا و عترت من. اگر به آن دو تمسک جوئید، هرگز گمراه نخواهید شد. پس بنگرید که به جانشینی من، چگونه با آنها رفتار می‌کنید.

از این سخن بلند و استوار رسول خدا که شیعه و سنی بر آن اتفاق دارند و آن را در کتابهای روایی خود نقل کرده‌اند، راه برای هدایت گری و چگونگی پیام رسانی دینی روشن می‌شود. هدایت در حرکت کردن در پرتوی این دو «ثقل» بزرگ است و گمراهی در حرکت نکردن در پرتوی آن دو «ثقل» بزرگ.

با توجه دقیق به این اصل بزرگ و افروختن این مشعل مقدس، امکان هدایت مردم وجود دارد و به عبارتی، خداوند متعال هدایت مردمان را در به پا داشتن مشعل کتاب و عترت، تضمین کرده است.

پس آن چه مهم است و رسالت اصلی، شناخت عالمانه این دو «ثقل» است و شناساندن آنها که هر راه دیگری پیموده شود و یا یکی گرفته شود و دیگری رها، فرجام کار خوشایند نخواهد بود.

الف. قرآن: یکی از دو «ثقل» قرآن است که امت اسلامی باید در پرتو آن حرکت کند و مبلغ دینی و حوزه‌های علمیه، قرآن را از همه جهت محور کار و برنامه خود قرار دهند که بدون محور بودن قرآن، نه این که هدایتی صورت نمی‌گیرد که گمراهی و ضلالت چتر خواهد گستراند.

از امام علی بن ابی طالب(ع) از رسول خدا(ص) نقل شده است که فرمود:

«علیکم بکتاب الله فیه نبأ ما قبلکم و خیر ما بعدکم و حکم ما بینکم. هو الفصل لیس بالهزل. من ترکه من جبارٍ قصمه الله و من التمس الهدی فی غیره أضله الله و حبل الله المتین و الذکر الحکیم و الصراط المستقیم. هو الذی لا تزیغ به الالهواء و لا تشبع منه العلماء و لا یخلق علی کثرة الردّ و لا تنقضی عجائبه و من قال به صدقّ و من حکم به عدلّ و من خاصم به فلیجّ و من دعا الیه هدیّ الی صراط مستقیم.»

14به کتاب خدا تمسک بجوئید. در قرآن است خبر آن چه پیش از شما بود و خبر آن چه پس از شماست و حکم آن که چگونه باینتان زندگی بود.

قرآن، جدی، قطعی و فصل است، هزل و لغو نیست. هر گردن کشی که آن را ترک کند، خداوند پشت او را خواهد شکست و کسی که هدایت را از غیر قرآن بخواهد، خداوند او را گمراه می‌کند. قرآن، ریسمان محکم خداست و پند راست و درست و راه راست است و هوای مردم آن را از حق منحرف نمی‌کند.

و دانشمندان از آن سیر نمی‌شود و به کثرت تکرار کهنه نمی‌شود و شگفتیهای آن پایان ندارد.

گوینده به قرآن راستگوست و حاکم به آن عادل و کسی که مخاصمه و احتجاج به قرآن کند، پیروزمند می‌شود و کسی که دعوت به سوی قرآن کند، به راه راست هدایت می‌شود.

حال که چنین است و هدایت بشر، رهایی او از گمراهی، پراکندگی، آشفتگی، بسته به تمسک راستین به قرآن دارد، راهی که در آن کژی راه ندارد، هیچ گاه با بهره‌برداری و تکرار کهنه نمی‌شود و پیروزمند میدان، در هر عرصه‌ای، کسی است که در پرتو قرآن گام بردارد، بر ارشادگران و مبلغان دینی است که با فهم و درک درست واژه به واژه، جمله جمله و آیه آیه آن، و دریافت پیامها و درسها و نکته‌های آن برای انسان امروز، پا به عرصه تبلیغ بگذارند و در جمعهای کوچک و بزرگ، در خارج و داخل

و بین گروه‌های مسلمان و غیر مسلمان، شیعه و سنی حاضر شوند آن چه برای مبلغ شیعی، که بناست زینب اهل بیت باشد و نه مایه ننگ، شرط است برای ورود به عرصه جهانی و نمایاندن چهره علمی و اصلاحی ائمه اطهار و برنامه‌های عدالت محور مکتب اهل بیت که از قرآن اشراق می‌شود و سرچشمه می‌گیرد، در قرآن تدبیر کند و این تدبیر در قرآن، بر تحصیل مقدماتی استوار است که حوزه‌های علمیه باید آنها را برای طلاب و فضلا و مبلغان دینی فراهم آورند و زمینه را به گونه‌ای بسازند که طلاب، یعنی همانانی که قرار است در آینده به تبلیغ دین از منظر اهل بیت بپردازند، بتوانند مقدمات را تحصیل کنند و آن گاه وارد وادی تدبیر شوند.

لغت عرب جاهلی را بشناسند، احوال عرب را در آن عصر بدانند، به طور دقیق از حالات رسول گرامی اسلام آگاهی یابند، دانش شأن نزول را بیاموزند با سیره و سخن امامان معصوم مأثوس و دمساز باشند، دیدگاه‌های مفسران بنام را فرا دید نهند آن گاه با خرد ورزی و در نظر گرفتن اوضاع و احوال جوامع بشری امروز و نیازها به تدبیر بپردازند و به رسالت جهانی خویش جامه عمل بپوشانند. با این اعتقاد ژرف و گسترده که:

«و ما هی الا ذکری للبشر. »

15 «و ما هو الا ذکر للعالمین. »

16 «و ما ارسلناک الا کافه للناس. »

17 «تبارک الذی نزل الفرقان علی عبده لیكون للعالمین نذیرا. »

18 «و تذیراً للبشر. »

19 ب. اهل بیت: این که اهل بیت، چه کسانی هستند و با چه ویژگیها و کارنامه‌ای و پیرو و دوستدار اهل بیت، چسان و چگونه و با چه معیارها و ترازهایی این جایگاه و پایه را می‌یابد، از جمله عناصری است که می‌باید در مدرسه‌ای که بناست مکتب اهل بیت در آن آموزانده بشود و محور و مدار قر بگیرد، کالبدشکافی دقیق بشود.

بهترین و با اطمینان‌ترین راه برای شناخت و شناساندن اهل بیت، همان راهی است که رسول خدا(ص) و ائمه اطهار فراروی مسلمانان قرار داده‌اند و تلاش‌شان بر آن بوده که آن را نشان دهند و نشانه‌های آن را بازگویند.

اگر حوزه‌های علمیه در شناساندن مکتب اهل بیت و ائمه اطهار، همین راه را بپیمایند و از در پیش گرفتن راه‌های ناشناخته و ناهموار خودداری کنند، بی گمان کسانی که بر اساس برنامه‌های آنها رشد می‌یابند، دانش می‌اندوزند و به مسائل روز و دنیای پیرامون خویش آشنا می‌شوند، توانایی شناساندن مکتب اهل بیت را دارند.

علی(ع) در نهج البلاغه، اهل بیت را شناسانده است، به زبانی که هیچ گاه کهنه نمی‌شود و همیشه نیاز مسلمانان را در کنار قرآن برآورده می‌سازد.

علی(ع) اهل بیت را نشانه‌های راه می‌داند که رهروان اگر نشانه‌ها را همیشه در نظر داشته باشند و جهت حرکت خویش را با آنان تراز کنند، هیچ گاه راه را گم نخواهند کرد و به بی راهه فرو نروند غلطید.

امام(ع) از این که مردم عترت را رها کرده‌اند و از جاهلان عالم نما پیروی می‌کنند، شکوه می‌کند و راه نجات را فقط در پیروی از خاندان رسول خدا(ص) می‌داند:

«فاین تذهبون و انی توفکون والاعلام فائمة، و ال آیات واضحة و المنار منصوبة فاین یتاه بکم. بل کیف تعمهون و بینکم عترة نبیکم و هم أزمة الحق و اعلام الذین و السنة الصدق، فأنزلوهم بأحسن منازل القرآن و ردهم و ردهم الهیم العطاش. »

20 پس، کجا می‌روید؟ و کی باز می‌گردید؟ که علامتها بر پاست. و دلایها هویدا است. و نشانه‌ها برجاست.

گمراهی تا کجا؟ سرگشتگی تا کی و چرا؟

خاندان پیامبرتان میان شماسست که زمامداران حق و یقین‌اند. پیشوایان دین‌اند. با ذکر جمیل و گفتار راست قرین‌اند. پس همچون قرآن، نیک حرمت آنان را در دل بدارید. و چون شتران تشنه که به آبشخور روند، روی به آنان آرید.

و در خطبه‌های دیگر از جایگاه والای اهل بیت در اسلام، این گونه سخن می‌گوید:

«نحن شجرة النبوة، و محط الرسالة و مختلف الملائكة و معادن العلم و ينابيع الحكم. ناصرنا و محبنا ينتظر الرحمة و عدونا و مغبضنا ينتظر السطوة.»

21 ما درخت نبوتیم و فرود آمد نگاه رسالت و جای آمد شد فرشتگان رحمت، دکانهای دانش و چشمه سارهای بینش. یاور و دوست ما، امید رحمت می‌برد؛ و دشمن کینه جوی ما، انتظار قهر و سطوت.

و یا می‌فرماید:

«فاذا حُكِمَ بالصّدق في كتاب الله فنحن احقّ الناس به و ان حُكِمَ بسنة رسول الله صلى الله عليه و آله، فنحن اولاهم به.»

22 پس اگر از روی راستی به کتاب خدا داوری کنند، ما از دیگر مردمان بدان سزاوارتریم. و اگر به سنت رسول خدا(ص) گردن نهند، ما بدان اولی‌تریم.

از این فرازها استفاده می‌شود که بدون اهل بیت و روشنگریها و پرتوافشانیهای اعتقادی، اخلاقی و تفسیرهای ناب آنان از قرآن و سنت، نمی‌توان به درک و فهم درستی از اسلام رسید و در ظلمتها راهی به روشنایی یافت.

بر حوزه‌های علوم دینی است که مبلغانی را به گونه‌ای تربیت کنند و به دانش دین بیاریند که برای شناساندن زوایای روشن دین، همیشه چون شتران تشنه به آبشخور زلال آنان روی آورند و این نیاز شدید را در خود احساس کنند و به مرحله و پایه‌ای برسند که این سخنان حضرت امیر(ع) و جز آنها را درباره جایگاه والای اهل بیت، معارف ناب آنان و مرجعیتی که در احکام دین دارند، برای مردم به روشنی بازگویند. که با بازگویی اینها دلها به قرآن نزدیک می‌شود و با نزدیک شدن هر چه بیش‌تر دلها به قرآن، زمینه برای ساختن جامعه قرآنی که هدف اهل بیت بوده است، به حقیقت می‌پیوندد.

شاخصه‌های مکتب اهل بیت

مکتب اهل بیت در طول تاریخ اسلام، با نمادها و نشانه‌هایی از دیگر فرق بازشناخته می‌شده است. نمادها و نشانه‌هایی که برای بر فراز نگه داشتن آنها خونهای پاکی ریخته شده و انسانهای بسیار بزرگی جانشان را فدا کرده‌اند.

مکتب اهل بیت در بین مسلمانان، با همه جفاها، حق کشیها و کتمان گریهایی که در حق آن روا داشته شده، ریشه دار است و این به خاطر شاخصه‌هایی است که دارد و همیشه آنها را پاس داشته است.

امروزه، اگر مبلغان شیعی برای برافراشتن پرچم اهل بیت و مکتب رهایی بخش این خاندان، به تلاش برخاسته‌اند، راهی برای برافراشته ماندن آن ندارند، جز آن که به این شاخصه‌ها، نموده‌ها و نمودارها، از بُن جان باور داشته باشند و برای گسترش عالمانه آنها، راه‌های منطقی و خردمندانه را پیش بگیرند.

در این جا به پاره‌ای از آنها اشاره می‌کنیم، که به گمان ما، راه ورود عالمانه و خردمندانه در بین فرقه‌ها، مکتبها و نحله‌ها و انسانهای خردورز است:

1. عدل: شیعه از عدلیه است. به اصل عدل باور عمیق دارد. خلقت و تکوین عالم را بر اساس عدل می‌داند: «بالعدل قامت السموات و الارض.»

نظام تشریح را نیز تابع میزان عدل می‌داند. همه احکام عادلانه وضع شده‌اند و تابع یک حقیقت، مصلحت و مفسده واقعی است.

در مقابل، جریان قوی در بین مسلمانان بود که به این اصل باور نداشت. نمونه‌هایی از آفرینش و احکام را مطرح می‌کرد که در آنها عدلی وجود ندارد؛ اما چون کار خداست، باید از روی تعبد پذیرفت. این دو جریان در عرصه علمی به بگو مگو و مجادله‌های سخت پرداختند، تا این که جریان منکر عدل الهی به حکومت دست یافت و قدرت را در دست گرفت و این عقیده، عدالت اجتماعی را نیز تحت تأثیر قرار داد و شیعه در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی، با این جریان درگیر شد و به ستیز برخاست و به عنوان گروه عدلیه، عدالت محوری را در جامعه اسلامی شعار بنیادین خود قرار داد و علی(ع) را به عنوان طلایه دار این حرکت بزرگ در همه جا مطرح می‌کرد و به بازخواست از حاکمان می‌پرداخت و مردم را بر می‌انگیخت که در برابر بی عدالتیها بی تفاوت نمانند.

امروزه این اصل بنیادین را حوزه‌های علمیه و مبلغان دینی، باید هم در حوزه اعتقادات و نظام تشریح و هم در حوزه اجتماع، عالمانه و انقلابی پاس بدارند. اصلی که اگر به درستی شرح شود و از آن پاسداری شود، شیعه در سرتاسر جهان حرف برای گفتن دارد و می‌تواند مردمان عدالت‌خواه بسیاری را با خود همراه سازد و علیه بی‌عدالتیها قد افرازد.

2. عقل: روشن است وقتی که گروهی عدل محور شد و بر مدار عدل به تفسیر و استنباط احکام پرداخت، ناگزیر باید عقل را محور کار خویش قرار دهد. چون وقتی بر این عقیده شد که خداوند بر اساس عدل آفرینش را رقم زده و بر اساس عدل نظام تشریح را به وجود آورده است، در تفسیر و برداشت از آموزه‌های اسلام و استنباط حکمی از احکام الهی، در هر زمان، حسن و قبح عقلی را ملاک قرار می‌دهد، به «عدل» می‌نگرد و «عدالت» را فرا دید می‌نهد که آیا حکمی را که از آیات و روایات استنباط کرده، با «عدالت» سازگاری دارد و این سازگاری و عدم سازگاری را به قوه عقل در می‌یابد که حق چیست و مقتضای عدالت چیست. به هر نقلی دل نمی‌بندد. نقلی را در دستور کار قرار می‌دهد که بر اساس مقتضای عدالت باشد و عقل به آن حکم کند که: «کل ما حکم به العقل حکم به الشرع» از این رو در قرآن روایات معصومان(ع) روی عقل تأکید فراوان شده است و شیعه در تمام دورانها، از «عقل» بهره برده و از تعبد کورکورانه پرهیز داشته است. تا آن جا که به مکتب عقلی مشهور شده است و همیشه با جموداندیشان، یعنی کسانی که عقل را در استنباط احکام کنار گذاشته و به هر نقلی بسنده کرده و بر اساس آن حکم داده‌اند، درگیر بوده است و از این فکر خطرناک: «دین مقیاس حق و عدالت است» پرهیز داده است و شعار خود را «حق و عدالت مقیاس دین است» قرار داده که امری است عقلایی.

یعنی این که هر برداشتی از دین، دین نیست. برداشتی از دین، دین است که بر اساس حق و عدالت باشد. پس نمی‌توان هر چیزی را به نام دین پذیرفت، بلکه باید به حکم عقل و با تعقل، هر برداشت و استنباطی که با حق و عدالت سازگار بود، پذیرفت زیرا که خداوند احکام خویش را بر اساس حق و عدالت وضع کرده است.

3. مرجعیت علمی اهل بیت: هیچ فرقه‌ای از فرقه‌ها و گروه‌های اسلامی نمی‌تواند مرجعیت علمی خود را ثابت کند و پای این ادعا بایستد، جز اهل بیت. آن چه را معصومان گفته و طرح کرده‌اند، سخن وحی بوده است و بر این پای فشرده‌اند که آن چه از ما می‌شنوید، سخن خود ما نیست، سخن رسول خداست و آن هم سخن خداست و سرچشمه‌اش وحی.

شیعه بر این باور است که پس از رسول خدا(ص) مردم رها نشده‌اند که برای یادگیری مسائل دین‌شان هر دری را بکوبند و یا به ذوق و سلیقه خود عمل کنند.

بلکه بیان دین بر عهده جانشینان معصوم آن حضرت و اگذار شده، همانان که در حدیث «ثَقَلین» قرین و توأم کتاب خدا قرار داده شده‌اند. کتابی که خداوند درباره‌اش می‌فرماید:

«لا یأتیه الباطل من بین یدیه و لا من خلفه.»

23 باطل و نادرستی، نه از پیش رو و نه از پشت سر به آن راه نمی‌یابد.

روشن است و بر اهل دقت و درنگ پوشیده نیست که اگر اهل بیت گرد باطل می‌گشتند، قرین و همراه کتاب خدا قرار نمی‌گرفتند و بسان کتاب خدا حرمت نمی‌یافتند و از این عصمت بالا برخوردار نمی‌شدند.

با توجه به این جایگاه اهل بیت، مرجعیت دینی آنان، برای هر کسی که کمترین دقت را روی موضوع بکند، روشن می‌شود.

این جایگاه که در روایات بسیار بازتاب یافته و روایت بنیادین و روشنگر «ثَقَلین» که به گونه متواتر، از بیست و اندی صحابی نقل شده و در کتابهای روایی سنی و شیعه به طور گسترده آمده، حجت را بر تمامی مسلمانان پای بند به سنت رسول الله(ص) تمام کرده است. و این راه را بر مبلغان شیعی در سرتاسر جهان اسلام هموار می‌کند که مرجعیت دینی اهل بیت را شرح دهند و زوایای آن را بازگویند و زمینه‌ها را برای وحدت و همگرایی بزرگ بر محور قرآن و سنت، قرآن و اهل بیت فراهم آورند.

نتیجه

1. روشن شد که عالمان بیدار، آگاه و زمان شناس چسان با امکانات بسیار محدود و به دور از تشکیلات و کارگروهی حتی، به شبهه‌های علیه شیعه پاسخ گفته و از کیان مکتب اهل بیت دفاع کرده‌اند.

2. بر این نکته تأکید شد که امروزه با توجه به پیچیدگی کار تبلیغاتی و شبهه آفرینیهای دشمن، ابلاغ پیام دین و مکتب تشیع و بیان زوایای مکتب رهایی بخش اهل بیت، به گونه فردی ممکن نیست و یا خیلی کم بُرد و کم ثمر است و باید کار تشکیلاتی و سازماندهی شده‌ای، در شعاع بسیار گسترده‌ای انجام بگیرد، تا ثمربخش باشد و اثر گذار.

3. و نیز بیان گردید و به نسبت، به شرح از آن سخن به میان آمد که تکلیف و وظیفه ابلاغ مکتب اهل بیت در این روزگار و شرایط حاکم بر جوامع انسانی و اسلامی، از جهتهای مختلف مهم است و بس سرنوشت ساز:

الف. احساس نیاز به مکتب اهل بیت.

ب. تهاجم گسترده به مکتب اهل بیت.

ج. فرصتهای موجود برای حضور جدی و علمی مبلغان شیعی در عرصه‌های مختلف، به برکت انقلاب شکوهمند اسلامی.

4. با نگاهی گذرا به وضعیت موجود حوزه‌های علمیه، کاستیها و توانیها، در حد اطلاع، به بوته بحث گذارده شد و چگونگی کاستن از کاستیها و بهره‌گیری درست از توانیها، مور بحث قرار گرفت.

5. و در پایان، پاره‌ای از شاخصه‌ها و نمونها و نهادهای مکتب اهل بیت، مانند عدالت محوری، عقل گرایی، مرجعیت دینی، که می‌توانند زمینه ساز حضور مبلغان شیعی در عرصه جهانی باشند، بررسی شد.

مراجع

1. الذریعه الی تصانیف الشیعه، شیخ آقا بزرگ تهرانی، ج 1، مقدمه / د، به قلم محمدعلی غروی اردوبادی، دارالاضواء، بیروت.

2. تاریخ آداب اللغة العربیه.

3. شیخ آقا بزرگ تهرانی، محمدرضا حکیمی / 23 - 24، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، به نقل از شیخ الباحثین، آغا بزرگ الطهرانی، عبدالرحیم محمد علی / 29 - 30، نجف.

4. سخنرانی در دیدار با علما و روحانیون دامغان، به تاریخ 15/4/1367 و نیز ر. ک به سخنرانی ایشان در دیدار با وعاظ، به تاریخ 22/12/69.

5. در دیدار با علمای دامغان به تاریخ 15/4/1367.

6. حدیث ولایت، ج 2 / 14.

7. از سخنان رهبری در جمع فضلا و نخبگان حوزه علمیه قم، 14/9/1374.

8. اصول کافی، ثقة الاسلام محمد بن یعقوب کلینی رازی، ج 2/77، باب الورع، روایت 14، دار التعارف للمطبوعات، بیروت.

9. همان، حدیث 10.

10. همان، حدیث 15.

11. ینابیع الموده، ج 1، الباب الرابع / 23.

12. سنن ترمذی، ج 5/329 به بعد، مناقب، تحقیق عبدالرحمان و محمد عثمان، دارالفکر، 1403؛ ینابیع الموده، فُندوزی، تحقیق سیدعلی جمال اشرف / دارالاسره، 1416.

13. سنن ترمذی، ج 5 / 329 به بعد مناقب؛ ینابیع الموده، ج 1/112.

14. نوادر، راوندی / 21.

15. سوره مدثر، آیه 31.
16. سوره قلم، آیه 52.
17. سوره سبأ، آیه 28.
18. سوره فرقان، آیه 1.
19. سوره مدثر، آیه 36.
20. نهج البلاغه، خطبه 87، ترجمه دکتر سید جعفر شهیدی / 70، آموزش انقلاب اسلامی.
21. همان، خطبه 110 / 106.
22. همان، خطبه 125 / 123.
23. سوره فصلت، آیه 42.